

## در ضرورت تخصص گرایی در مطبوعات محلی



عباس تقی زاده

های ناشیانه، وزن و نفوذ اجتماعی آنها و اقبال عمومی به رسانه های محلی را کاهش می دهد. در چنین وضعیتی نه تکلیف روزنامه با خودش مشخص است و نه با مخاطب؛ و می توان آن را نوعی بی احترامی به مخاطب دانست.

مطبوعات تخصصی در عین ارتقای جایگاه خود، به پایگاهی برای تربیت نیروی انسانی کارآمد و مشاوره امین برای مدیران و مردم تبدیل خواهند شد و خوراک فکری و عقلانی لازم را برای مباحث مردمی در فضای عمومی فراهم می آورند. مطبوعات تا به سوی حرفه ای و تخصصی شدن گام بردارند هر قدر هم بر شمارگان و تعدد عنوان های آنها افزوده شود باز به سید خانوارها، راه نمی یابند و حتی مسیرهای ارتباطی را مسدود و نقش نظارتی و اطلاع رسانی خود را نیز زیر سوال می برند.

فعالیت مطبوعات تخصصی، حضور نخبگان را تسهیل می کند و مسیر ارتباطی تعاملی، مناسب و تاثیر گذاری را بین نخبگان و جامعه می گشاید.

برای مثال اگر اجرای طرحی صنعتی در استان کرمان مصوب شود. روزنامه محلی با نگاه تخصصی و حرفه ای، ابعاد مختلف طرح را از دید مردم، مدیران، کارشناسان، پژوهشگران، نخبگان و مجریان مورد کنکاش قرار می دهد. این شیوه مدیران را به مردم نزدیک می کند، به هدایت افکار عمومی کمک می نماید، مشارکت و اعتماد عمومی را ارتقا می بخشد و صدای بخش های مختلف جامعه را تقویت می کند و شهروندی مسئولانه و مشارکت جو را گسترش می دهد. اما روزنامه محلی غیر حرفه ای، صرفا در حد یک خبر معمولی و رویداد محور به موضوع می نگرد و با تهی بودن از تحلیل، فرصت های ارزشمند را برای تکمیل چرخه ارتباطی سالم و موثر، می سوزاند. این روزنامه ها، مخاطب را هم سطحی نگر با می آورند و تعریف مطبوعات محلی را مخدوش می سازند. مطبوعات حرفه ای، مخاطب شناسان دقیق تری هستند و به نیازهای مخاطب با احترام و مسئولانه پاسخ می دهند.

می توان گفت: ظهور روزنامه های تخصصی و حرفه ای از نوع محلی، در فضای رقابتی سالم و عادلانه مطبوعاتی - به شرط نبود حمایت ها و رانت های خاص - می تواند مطبوعات را به جایگاه اصیل و حرفه ای خود برساند.

\* مدرس دانشگاه و پژوهشگر

مطبوعات محلی در کشور ما هنوز به جایگاه واقعی خود نرسیده اند. بخشی از این وضعیت به نگاهی برمی گردد که معتقد است تصمیم ها باید در مرکز گرفته شود و در استان ها و شهرهای مختلف، به آنها عمل نشود. این دیدگاه به صورت پنهان و پیدای در جامعه نیز وجود دارد و شاید بر همین اساس، سطح توقع مردم از مطبوعات محلی، با مطبوعات

سراسری متفاوت است. متأسفانه برخی مطبوعاتی ها نیز به این رویه دامن می زنند و با انتشار نسخه هایی با محتوای نه چندان مناسب، به همه مطبوعات محلی آسیب می رسانند.

محلی بودن به معنای کم ارزش تر بودن نیست. اتفاقا اگر رسانه های محلی، هویت محلی خود را درک کنند و نگاه بومی اما جامع، تخصصی و تحلیلی به محتوا داشته باشند به مرجع فکری جامعه خود تبدیل خواهند شد.

مطبوعات محلی باید مدیریت روشننگر، فکور، خلاق و موثر جوامع محلی را برعهده داشته باشند. (در اینجا، محلی بودن به معنای سنتی بودن و مقوله هایی از این دست نیست). اما وقتی بسیاری از آنها نمی توانند حرفه ای عمل کنند و ترجیح می دهند در حد یک نشریه سرهم بندی شده، تکراری و سطحی ظاهر شوند و سن عقلی مخاطب را کودکانه می پندارند. نمی توان امیدوی به نقش آفرینی آنها داشت و در عمل می بینیم زمان در دست داشتن برخی از آنها نزد مخاطب، به یک دقیقه هم نمی رسد.

وقتی مطبوعات محلی با بینش حرفه ای و تخصصی و حفظ هویت بومی خود به سمت تولید حرفه ای محتوا حرکت کنند هم به اعتلای خود و هم ارتقای آگاهی عمومی و بالندگی مخاطب کمک می کنند.

مطبوعات تخصصی و حرفه ای، پشتوانه تصمیم گیری های کلان و نماینده واقعی تری از خواسته های عمومی به شمار می روند. آنها به باز شدن گفتگوهای منطقی، تعدیل احساسات و عواطف (که گاه بر تصمیم گیری های اساسی، اثرات منفی می گذارند و موجب موج سواری برخی فرصت طلبان می شوند)، استقرار منطق و استدلال در جامعه و افزایش اعتماد عمومی یاری می رسانند.

توقف برخی مطبوعات در باتلاق روزمرگی، تکرار، سطحی نگری و کپی کاری

گذشته را نبش قبر نکنند و نسبت به مشکلات و تصمیم های اتخاذ شده از بیم اینکه مورد هجمه قرار گیرند، بی تفاوت نباشند. به هر حال کالبدی افسرده و ناکارآمد در دولت شکل گرفته و لانه کرده است، که اگر مورد تجزیه و تحلیل و در مقام پاسخگویی قرار نگیرند و نقد نشوند کمافی السابق کشور و استان را در دور باطل توسعه نگه خواهند داشت. مجموعه ی دانشگاهی باید نسبت به این مردم احساس دین کنند، چرا که بلاخره شرایطی که در آن قرار دارند و بهره ای که از وضعیت فعلی خود می برند در گرو مقدمات و خدماتی بوده که همین مردم به آنها ارایه داده اند که شاید چندان به چشم نیاید، در واقع در مورد برخی افراد دانشگاهی، «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند»، تا خدای ناکرده گوشه ای از آرامش خود را وقف مردم نکنند! بی تفاوتی کارشناسان، به خصوص دانشگاهیان به معنی زدن مهر تایید بر تصمیم های اشتباه و خطاهای دولت است که قاعدتا این از معرض قضاوت آیندگان دور نخواهد بود. بنابراین به طور مثال وقتی وضعیت اقتصاد کشور نابسامان است اگر مثلاً دانشکده های اقتصاد و مدیریت مادر آرامش بسر ببرند بایستی به حال دانشگاه های کشور و مسئولین شان تاسف خورد! اگر کارشناسان دانشگاهی، اندک زمانی از وقت گرانبهای خود را برای اصلاح امور جامعه نگذارند چه فایده که در این عرصه صاحب نام و آوازه شده باشند!

طبیعتاً اولین پاسخی از جامعه ی دانشگاهی بر می آید این است که جایگاهی و پایگاهی برای صحبت دانشگاهیان وجود ندارد، که در پاسخ باید گفت: هیچگاه

\* دبیر شورای سیاستگذاری اقتصاد کرمان